نگاه

مرگ جنگل‌های بلوط محصول عملکرد مدیران

نسیم محمدی

۱۰هزارهکتار از جنگل‌های بلوط زاگرس طی هفته‌های اخیر به زغال تبدیل شدند. این رویداد در پی خشکیدن بخش اعظم جنگل‌های بلوط در زاگرس رخ داد که ناشی از عملکرد هشت‌ساله مدیران در محیط‌زیست، سازمان جنگل‌ها و وزارت نیرو است. سرانجام شعبده مدیران برای تبدیل درختان به کربن پاسخ داد. طی روزهای گذشته رییس سازمان جنگل‌ها و مراتع اعلام کرد عامل بیماری در ۱۷۰هزارهکتار از بلوط‌های زاگرس پیشرفت کرده است. و در این راستا قطع درختان آلوده در زاگرس آغاز و ۱۰هزارهکتار از جنگل‌های خشکیده بلوط تبدیل به زغال شدند. بنا به گفته وی این تصمیم به پیشنهاد کارشناسان، برای جلوگیری از اشاعه بیماری زغالی بلوط توصیه شده است. اما آنچه هم‌اکنون در حال انجام است زمینه مخالفت شدید کارشناسان این حوزه را فراهم کرده است.

خداکرم جلالی، ریاست سازمان جنگل‌ها و مراتع را همزمان با عضویتش در هیات‌مدیره بزرگ‌ترین شرکت بهره‌برداری و احیای جنگل در استان گیلان به عهده گرفت که با سکوت کارشناسان و رسانه‌ها همراه شد و هرگز به این اشاره نشد. با وجود امضای معصومه لنکارنژاد بر طومار حمایت از جنگل‌های بلوط، مدیر پروژه زاگرس در سازمان محیط‌زیست گفته است تنها راه برای جلوگیری از پیشرفت بیماری، قطع درختان بلوط زاگرس است. اخیرا این نوع دوگانگی های رفتاری در میان مدیران محیط‌زیست آنکارا دیده می‌شود.

حذف بلوط‌های بیمار بدون نقشه پراکنش بیماری

اما رییس انجمن جنگل‌بانی ایران از جمله کارشناسانی بود که از سال‌های گذشته مرگ جنگل‌های زاگرس را هشدار داده بودند. هادی کیادلیری چندی پیش در همایشی که موسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی برای بررسی رول بلوط برگزار کرده بود مخالفت شدید خود را با معدوم‌کردن بلوط‌های زاگرس اعلام کرد. وی تاکید کرد «ما نه‌تنها با مرگ بلوط مواجه نیستیم که مساله مرگ یک اکوسیستم است و در تصمیم مدیران سازمان جنگل‌ها این مساله دیده نشده. آنچنان که معدوم‌کردن درختان نه‌تنها باعث حل مساله نخواهد شد بلکه فشاری مضاعف بر زاگرس تحمیل خواهد کرد. علاوه بر آن نقشه پراکنش آلودگی هنوز تهیه نشده و بسیاری از مدیران منابع طبیعی در این‌باره دچار تشابه هستند.» در گفت‌وگویی که با وی انجام دادیم و تاکید کرد «اماری از شدت صدمات و میزان درختان خشکیده در دست نیست. امروز تعامل با شاخص‌هایی متفاوت از جمله شناسایی فرآیندهای اکولوژیک آغاز گردیده می‌شود که ما هنوز آستانه فرآیندهای اکولوژیک را در این رابطه نمی‌دانیم. هنوز اطلاعات جامعی از رابطه اجتماعی و اکولوژیک بین مردم و حوزه در دست نیست. در حال حاضر در زاگرس ما یک گام بیشتر با بیابان فاصله نداریم. گویا زغال‌گیری از درختان بلوط از بیماری زغالی در مرگ درختان پیشی گرفته است.» او افزود «بررسی اصلی این است که چرا در تمام سال‌های گذشته زادآوری نداشته‌ایم؟ در این مناطق حتی درختان ۲۰، ۳۰ یا ۵۰ساله هم دیده نمی‌شوند. اینها نشان می‌دهد که استرس‌ها از همان ۵۰سال پیش آغاز شده. بیماری زغالی بلوط یک‌دلیل ثانویه است. اگر مساله بیماری است پس علت خشکیدگی گونه‌های دیگر چیست؟ شرایط کنونی یک تصمیم استراتژیک را طلب می‌کند. امیدوارم سازمان جنگل‌ها به تکرار اشتباهات پیشین بسنده نشود.»

تخریب جنگل بلوط در اثر مدیریت ناکارآمد است

کیادلیری در ادامه تحلیل خود با اشاره به تصمیم‌های نادرست سازمان جنگل‌ها می‌گوید: «در مورد زاگرس به تشکیل یک تیم فنی نیاز داریم چرا که سرعت تخریب و نابودی بسیار بالاتر از سرعت حرکت ما در جهت رفع مشکل است. این در شرایطی است که تنها برای برگرداندن حاصلخیزی خاک باید ۵درصد از درصد نفت به این پروژه اختصاص یابد. علت اصلی این خشکیدگی‌ها تنها قارچ زغالی یا آفت چوبخوار نیست بلکه مدیریت ناکارآمد نقش بسزایی در تشدید ماجرا داشته است.» بر اساس آمار در ۸۵۰ هکتار از جنگل‌های زاگرس شاهد کرگدن‌ها در زیر عرصه هستیم. میزان کسن یامخ دار طی روزهای گذشته رییس سازمان جنگل‌ها و مراتع اعلام کرد عامل بیماری در ۱۷۰هزارهکتار از بلوط‌های زاگرس پیشرفت کرده است. و در این راستا قطع درختان آلوده در زاگرس آغاز و ۱۰هزارهکتار از جنگل‌های خشکیده بلوط تبدیل به زغال شدند. بنا به گفته وی این تصمیم به پیشنهاد کارشناسان، برای جلوگیری از اشاعه بیماری زغالی بلوط توصیه شده است. اما آنچه هم‌اکنون در حال انجام است زمینه مخالفت شدید کارشناسان این حوزه را فراهم کرده است.

هیاتمدیره بزرگ‌ترین شرکت بهره‌برداری و احیای جنگل در استان گیلان به عهده گرفت که با سکوت کارشناسان و رسانه‌ها همراه شد و هرگز به این اشاره نشد. با وجود امضای معصومه لنکارنژاد بر طومار حمایت از جنگل‌های بلوط، مدیر پروژه زاگرس در سازمان محیط‌زیست گفته است تنها راه برای جلوگیری از پیشرفت بیماری، قطع درختان بلوط زاگرس است. اخیرا این نوع دوگانگی های رفتاری در میان مدیران محیط‌زیست آنکارا دیده می‌شود.

حذف بلوط‌های بیمار بدون نقشه پراکنش بیماری

اما رییس انجمن جنگل‌بانی ایران از جمله کارشناسانی بود که از سال‌های گذشته مرگ جنگل‌های زاگرس را هشدار داده بودند. هادی کیادلیری چندی پیش در همایشی که موسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی برای بررسی رول بلوط برگزار کرده بود مخالفت شدید خود را با معدوم‌کردن بلوط‌های زاگرس اعلام کرد. وی تاکید کرد «ما نه‌تنها با مرگ بلوط مواجه نیستیم که مساله مرگ یک اکوسیستم است و در تصمیم مدیران سازمان جنگل‌ها این مساله دیده نشده. آنچنان که معدوم‌کردن درختان نه‌تنها باعث حل مساله نخواهد شد بلکه فشاری مضاعف بر زاگرس تحمیل خواهد کرد. علاوه بر آن نقشه پراکنش آلودگی هنوز تهیه نشده و بسیاری از مدیران منابع طبیعی در این‌باره دچار تشابه هستند.» در گفت‌وگویی که با وی انجام دادیم و تاکید کرد «اماری از شدت صدمات و میزان درختان خشکیده در دست نیست. امروز تعامل با شاخص‌هایی متفاوت از جمله شناسایی فرآیندهای اکولوژیک آغاز گردیده می‌شود که ما هنوز آستانه فرآیندهای اکولوژیک را در این رابطه نمی‌دانیم. هنوز اطلاعات جامعی از رابطه اجتماعی و اکولوژیک بین مردم و حوزه در دست نیست. در حال حاضر در زاگرس ما یک گام بیشتر با بیابان فاصله نداریم. گویا زغال‌گیری از درختان بلوط از بیماری زغالی در مرگ درختان پیشی گرفته است.» او افزود «بررسی اصلی این است که چرا در تمام سال‌های گذشته زادآوری نداشته‌ایم؟ در این مناطق حتی درختان ۲۰، ۳۰ یا ۵۰ساله هم دیده نمی‌شوند. اینها نشان می‌دهد که استرس‌ها از همان ۵۰سال پیش آغاز شده. بیماری زغالی بلوط یک‌دلیل ثانویه است. اگر مساله بیماری است پس علت خشکیدگی گونه‌های دیگر چیست؟ شرایط کنونی یک تصمیم استراتژیک را طلب می‌کند. امیدوارم سازمان جنگل‌ها به تکرار اشتباهات پیشین بسنده نشود.»

ناکارآمدی‌های سازمان تامین اجتماعی و مشکلات بازنشستگان

کاهش ۵۰ درصدی قدرت خرید بازنشستگان در ۸ سال گذشته

عکس: عباس کاوری، شرق

ع -مجیدی بازنشسته: نوشته حاضر ابن ویتزگی را دارد که بازتاب‌دهنده مشکلات بازنشستگان توسط فردی است که خود بازنشسته بوده و زخم‌های ناسور این مشکلات امانش را بریده است.

در بروسه واکاوی مباحث مرتبط با حوزه بازنشستگی، جهت برون‌رفت از مشکلات و یافتن راه‌حل و درمان آنها همه راجع به درد «بازنشسته» داد سخن می‌دهند و برایش نسخه می‌پیچند و در این بین تنها صدای خود بازنشسته که می‌تواند «شرح حال» واقعی او باشد، شنیده نمی‌شود.

بازنشسته‌ها به تنگ آمده از فشارهای اقتصادی و تورم و عصبانی از پایمال‌شدن حقوقه در سایه عملکرد کسانی که دانسته و ندانسته، سرمایه صندوقی را که اندوخته جامعه کارگری ۳۵میلیون بوده را به بیراهه برده‌اند تا جایی که مدیر جدیدش با قبول تلویحی رخدادهای نامیمون گذشته (به‌عبارتی بهتر، آنچه نباید می‌شده، ولی شده)، نوید آن داده است که سرلوحه برنامه‌های این صندوق، پاکدستی خواهد بود («رزو بر جوانان عیب نیست و انشاءالله که چنین باد!. لیک، برای بازنشسته که در کورس آخر تمامی مناسبات اقتصادی قرار دارد، مصداق «گاهی خیلی زود دیر می‌شود» را دارد، و این نویدها را مجالی برای بازنشسته نیست).

بازنشستگان تامین‌اجتماعی در حال حاضر جمعیتی حدود بیش از دو تا ۲/۵میلیون‌نفر که با احساب آنها قرار تحت تکفلشان جامعه‌ای حدود پنج‌میلیون‌نفری را تشکیل می‌دهند، هستند که آمارها گویای روند افزایشی غیرمتعارف این جمعیت بوده و در ۱۰سال گذشته رشدی بیش از صدبرصد داشته و هرساله بر تعداد این جمعیت علاوه نیز می‌شود (با توجه به عقبه یک جمعیت هشت‌تا ۱۰میلیونی شاغلان بیمه‌شده فعلی که به‌مرور در آینده به این جمعیت خواهند پیوست در کل جمعیت متاثر مستقیم و آنی یا غیرمستقیم در آینده از شرایط امور بازنشستگی در حال حاضر جامعه‌ای با بیش از ۳۷تا۳۵میلیون با نیمی از جمعیت کشور را مرتبط با این حوزه می‌توان دانست)، با توجه به این آمار انومی به یادآوری اهمیت این حوزه باقی نمی‌ماند و گویای این واقعیت است که باید ۵درصد از ظرفیت‌های امور اقتصاد، رفاه، سلامت و... مرتبط با این حوزه باشد و بنابر این اختصاص وقت و هزینه و ظرفیت در هر زمینه‌ای به مسایل این حوزه (بازنشستگان و سازمان تامین‌اجتماعی) کاملا قابل‌توجیه بوده و هیچ محدودیتی برای آن توجیه‌پذیر نیست و مطبوعات و روزنامه‌ها و رسانه نیز نه‌تنها از این امر مستثنا نیستند که وظیفه هدایت سایر بخش‌ها نیز برعهده آنهاست ولی متاسفانه تاپه‌حال به‌طور غیرقابل توصیفی در این زمینه کم‌کاری کرده‌اند. اگر بخواهیم راجع‌به موضوع حقوق و مسترمی بازنشسته صحبت کنیم، لاجرم وضعیت حقوقی و تعهدات صندوق به بازنشسته باید مطرح شود و مدیریت سرمایه‌گذاری و قرارداد بیمه‌گری و مطابقت آن با قراردادهای متعارف و خوانده یا ناخوانده نقش قانونی و غیرقانونی دولت به‌میان خواهد آمد و شرایط مدیریت اعمال‌شده بر صندوق و سوءمدیریت و سوءجریانات واقع شده و ارتباط آن با مفاسد اقتصادی روز و... بی‌شک حتی اشاره به این مسایل مستلزم تطویل مطلب خواهد بود که اگر کارشناسان اهل فن هدف طرح آن را داشته باشند مسلما چندین جلد کتاب باید انتشار دهند.

اصلی‌ترین موضوع که شاکله مباحث مرتبط با مشکلات بازنشستگان تامین‌اجتماعی است، همانند کل جامعه حقوق‌بگیران موضوع «افزایش یا ترمیم حقوق سالانه» آنان است، ماه‌های آخر سال زمانی است که مباحث پرچالش و گاه تنش‌زا در عرصه تعیین حقوق و دستمزد شاغلان در حوزه کشوری اجتماعی روابط کار با همان مشکلات و مباحث مشابه مواجه است که تنها راه و چاره‌ای‌برای این شرکا موردتوجه عموم حوزه‌های اقتصادی و مردم فرار می‌گیرد. تا بوده چنین بوده است که حقوق‌بگیران اعم از کارگر و کارمند در منازعات فی‌مابین شرکای اجتماعی روابط کار در تعیین حقوق و دستمزد هیچ‌گاه دست‌یافتنی و مطالباتشان محقق نشده است و بعقول معروف همیشه هشت‌شان در گو نهشتن بوده است. به‌طوری‌که کمتر حقوق‌بگیری را کارشناس کارگری در زیر عرصه همیشه میزان کسن‌ی‌ها تا دو و نیم برابر افزایش پیدا کرده است. علاوه بر این آلودگی گوروغبار نیز در غرب کشور بیداد می‌کند. «استفاده از چوب سوخت طی هزار‌ان‌ها‌ی‌ر‌ا‌ی‌ا‌ی‌ا‌ی